

روابط خارجی مسلمانین

عهدنامه‌ها

ارزش قراردادها : شرایط و مواد ، خصوصیات
عهدنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی در اسلام ، نمونه‌ای
از عهدنامه‌های پیغمبر اسلام .

* * *

سابقاً ارزش حقوقی پیمانها و قراردادهائی که بطور رسمی بین حکومت اسلامی و بیگانگان منعقد میشود روشن گردید ؛ و اجمالاً معلوم شد که این قراردادها از نظر اسلام جنبه قانونی و الزامی داشته و عموم مسلمانین برطبق اصل «وفاء بعهده» که هسته مرکزی قسمت مهم قوانین و احکام اسلام را تشکیل میدهد موظفند که برطبق قرار دادهای و تعهدات مزبور عمل نمایند ؛ و نیز در حفظ احترام و اجرای آن بکوشند .

روی این اصل اساسی باید گفت از نظر قانون اسلام مهمترین و اساسی‌ترین منبع حقوق بین‌الملل راهمین قراردادها و تعهدات تشکیل میدهد و برطبق همین قراردادها است که خط‌مشی مسلمانین در روابط خارجی خود با ملل دیگر تعیین میگردد .

این قراردادها ممکنست بدرخواست مسلمانین و یا دول بیگانه منعقد شود و حتی در بعضی از موارد، مانند «بیمه‌ان نهمه» در صورتیکه شرایط آن از طرف ملل اهل کتاب درخواست و پیشنهاد شود قبول و انعقاد آن بر مسلمانین واجب میشود و نیز قراردادهای مزبور ممکنست دو جانبه و یا چند جانبه باشد چنانکه در قراردادیکه پیغمبر اکرم با دو طائفه بزرگ مدینه (اوس و خزرج) منعقد نموده بود یهودیان مدینه نیز شرکت نموده و قرارداد مزبور را رسماً بعهده گرفتند (۱) . انعقاد قرارداد های مزبور باین ترتیب انجام میگردد که پس از مذاکره و توافق روی شرایط معین ؛ انعقاد آن از یک طرف پیشنهاد شده (ایجاب) و مورد تصدیق و تصویب طرف متعاقد

قرار میگیرد (قبول) و اگر قرارداد بطریق کتابت باشد شرایط و مواد مورد تصویب بصورت عهدنامه تنظیم یافته با امضاء طرفین میرسد .

البته از نظر فقه اسلامی برای اینکه یک چنین معاهده و قرار دادی جنبه رسمی و قانونی پیدا کند و بر عموم مسلمین الزام آور باشد یک سلسله شرایطی هست که باید در انعقاد قراردادها منظور گردد .

یک قسمت از این شرایط عمومی بوده شامل عموم قراردادها نیست که بین مسلمین و سایر ملل بیگانه منعقد میگردد و قسمت دیگر نیز مربوط و مخصوص هر کدام از انواع قرار دادها نیست که در طی این مقاله بیان خواهد شد .

از جمله شرایط عمومی عهدنامه های رسمی میتوان چند موضوع زیر را بطور اجمال ذکر کرد:

۱ - عهدنامه باید بتصویب و امضاء مسلمین برسد . بنابراین قراردادها تئیکه بین مسلمین و اهل کتاب و یا مشرکین و بت پرستان و سایر ملل منعقد میشود در صورتی جنبه رسمی و قانونی پیدا میکند که ولی امر مسلمین و یا نماینده خاص او قرارداد مزبور را امضاء نماید و نماینده مسلمین ممکن است در انعقاد پیمان «تام الاختیار» باشد و یا تنها امضاء قراردادیکه قبلاً مورد تصویب ولی امر مسلمین قرار گرفته بهمه وی محول گردد چنانکه در صدر اسلام پیغمبر اکرم و علی علیه السلام (در زمان حکومت آن حضرت) انعقاد پاره ای از پیمانها و یا امضاء آن را بیکى از سران مسلمین و یا فرماندهان سپاه واگذار می نمودند .

باید متذکر شد که در بعضی از قراردادها مانند قرارداد «**فاهم و تاهین**» که بعداً توضیح آن خواهد آمد تصویب و امضاء یک فرد عادی مسلمان نیز کافیت منوطاً بآنکه سایر شرایط خاص قرارداد مزبور در آن منظور گردد .

و نیز در قرارداد «**حکمیت**» و تئیکه تنظیم شرایط قرارداد بشخص ثالثی محول گردید . لازمست که مسئولیت نماینده مزبور بطور رسمی از طرف ولی امر مسلمین مورد تصدیق و تصویب قرار گیرد چنانکه سعد بن معاذ وقتى از طرف بنی قریظه به «حکمیت» انتخاب شد و مورد تصویب پیغمبر اکرم قرار گرفت ، شرایط پیشنهادی وی درباره بنی قریظه اجرا گردید و پیغمبر قرارداد ویر احکم خدا خواند (۱) .

۲ - هیچکدام از مواد و شرایط قراردادها و عهدنامه ها نباید مخالف با احکام و قوانین ثابت اسلام باشد و در صورت مخالفت از درجه اعتبار ساقط بوده و بر مسلمین الزام آور نخواهد بود .

(۱) بفتوح البلدان ج ۱ صفحه ۳۲ و سیره ابن هشام ج ۲ صفحه ۶۸۸ مراجعه شود .

۳ - قرار دادها بصورت کتبی تنظیم میشود تا در صورت اختلاف بتواند مورد استناد متعاهدین قرار گیرد و اما تلفظ بقراردادها لازم نیست و ایجاب و قبول پیمان که دورکن اساسی قراردادها میباشد با تنظیم و تحریر شرایط و مواد تصویب شده و امضاء آن انجام میگردد . البته لازم بندگراست که درپاره ای از قراردادها مانند «عقد امان» تلفظ بمعهدات کافی است گرچه ممکن است به سبب کتایت نیز انجام گیرد .

۴ - گرچه عده ای از فقهای زبان عربی رادر قراردادهای لازم الوفا مانند عقد دادوستد و ازدواج لازم شمرده اند ولی دربارہ پیمانها و فرادادهای خارجی عقیده بیشتر فقها بر آنست که زبان خاص لازم نیست

بنابراین متن قرارداد و عهدنامه ممکنست بزبان عربی و یا زبانهای دیگر نوشته شود و نیز ممکنست بچند زبان تحریر یابد و هم در صورتیکه عقد قرارداد بطریق تلفظ انجام میگردد هر نوع زبانی که انشاء قرارداد و انقضاء صریح آن را برساند کفایت خواهد کرد (۱)

۵ - متن قرارداد و مواد آن باید با کلمات و یا الفاظ صریح تنظیم و یا تلفظ گردد و از ابهام گوئی و رویه های دیپلماسی خودداری بعمل آید بطوری که تفسیرها و تأویلهای خلاف منظور در آن بکار نرود (۲).

۶ - قراردادهای عهدنامه ها تا وقتی که مورد احترام دول متعاهد غیرمسلمان میباشد برای عموم مسلمین قابل احترام و الزام آور خواهد بود و روی این اصل در صورتیکه یکی از مواد و شرایط آن از طرف متعاهدین نقض گردد قرارداد مزبور ارزش حقوقی خود را از دست خواهد داد .

قرآن در این باره چنین دستور میدهد : « فما استقاموا لكم فاستقيموا لهم : تا آنجا که آنان (هم پیمانان مسلمین) در پیمان نشان پایداری میکنند شما نیز همچنان پایدار و نسبت به پیمانتان وفادار باشید » (۳)

و نیز میگوید : « و اما تخافن من قوم خيانة فانبد اليهم على سواء ان الله لا يحب الخائنين - اگر از طائفه و ملتی (که با او پیمان مشترك دارید) برسید که در باره شما و پیمان خیانت روا دارند آنهارا آگاه ساز تا یکسان گردند خداوند خيانتکاران را دوست نمیدارد » (۴)

(۱) جواهر الکلام کتاب جهاد صفحه ۵۶۶ .

(۲) بشماره ۱۲ سال گذشته همین مجله صفحه ۴۷ مراجعه شود .

(۳) سوره توبه آیه ۱۷ (۴) سوره انفال آیه ۵۸

روی همین اصل بود که یهودیان بنی النضیر چون سوء قصد بشخص پیغمبر اکرم نمودند و قرارداد پیرا که پیغمبر با طوائف یهود مدینه بسته بود بدین ترتیب نقض کردند بجهت خیانتشان مجازات شدند و پیغمبر اسلام دستور داد که زمینهای اطراف مدینه را ترک گویند و این دستور پیش از یک جنگ کوتاهی جامعه عمل پوشید و یهود بنی النضیر بالاخره با ازدست دادن اموال غیر منقول خود که بر طبق قرارداد متار که جنگ متعلق بمسلمین میشد اطراف مدینه را ترک گفتند (۱) بدیهیست در مورد نقض قراردادها «اتهام» و «احتمال» کافی نیست و احراز آن لازم است مگر در صورتیکه سوء قصد متعاهد ظاهر گردد و مسلمین از مقاصد تجاوز کارانه دول و طوائف متعاهد آگاهی یا بند بطوریکه امنیت مسلمین در معرض خطر قرار گیرد زیرا در اینصورت نیز روش آنان خصمانه تلقی شده و در حکم نقض محسوب خواهد شد (۲)

خصوصیات عهدنامه‌های پیغمبر اکرم (ص)

قراردادها و عهدنامه‌ها نیکه در صدر اسلام بین پیغمبر اکرم و طوائف و اقوام غیرمسلمان بسته میشد معمولاً بنام خدای یگانه افتتاح و در آغاز آن نام پیغمبر بعنوان «رسول الله» یاد میشد ولی در بعضی از عهدنامه‌ها بعلت اعتراض طرف متعاهد از دو موضوع مذکور صرف نظر میشد چنانکه در پیمان حدیبیه سهیل بن عمرو نماینده رسمی مکی‌ها که مأمور انعقاد پیمان مزبور با پیغمبر اسلام بودند نسبت بدو موضوع فوق الذکر بیبانه اینکه قریش بیگانگی خداوند و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایمان ندارند اعتراض نمود و همین جهت بجای بسم الله الرحمن الرحیم در آغاز عهدنامه «بسمک اللهم» نوشته شد و عنوان «رسول الله» نیز از نام پیغمبر حذف گردید (۳) و نیز معمولاً در عهدنامه‌ها تاریخ انعقاد قرارداد یاد آوری میشد و دو یا چند نفر بعنوان شهود آن را امضاء مینمودند چنانکه در عهدنامه‌ایکه با اهل نجران بسته شد ابوسفیان و غیلان بن عمرو و مالک بن عوف و چند تن دیگر بعنوان شهود در پایان عهدنامه نام برده شدند و نیز در عهدنامه حدیبیه چند تن از اصحاب از جمله عبدالرحمن عوف بهمین عنوان برای اجرای مواد آن سوگند یاد نمودند.

اولین پیمانی که از طرف پیغمبر با امضاء رسید پیمان معروف عقبه بود که بر طبق آن اهالی یثرب حفاظت و دفاع از پیغمبر اسلام را بعهده گرفتند و پس از ورود پیغمبر بمدینه چون دو

(۱) سیره ابن هشام ج ۱ صفحه ۶۵ و فتوح البلدان ج ۱ صفحه ۲۷

(۲) جواهر الکلام کتاب جهاد صفحه ۶۰۴

(۳) به سیره ابن هشام ج ۲ صفحه ۷۴۷ و فتوح البلدان ج ۱ صفحه ۴۹ مراجعه شود.

طائفه بزرگ مدینه (اوس و خزرج) از زمانهای بسیار قدیم بایکدیگر روابط خصمانه و دشمنی داشتند از اینرو رسول اکرم عهدنامه‌ای بامضاء طرفین رسانید و سپس یهودیان مدینه را نیز بمتحدین مزبور ملحق ساخت و دین ترتیب اتحاد مثلثی برطبق عهدنامه منظمی تشکیل یافت و همین متحدین بودند که در جنگ بدر صف مقابل مکی‌ها را تشکیل میدادند .

عهدنامه مزبور که سند زنده‌ای برای اثبات مقاصد صلحجویانه پیغمبر اسلام و آئین مقدسش محسوب میگردد بدینترتیب آغاز میشود : «بسم الله الرحمن الرحيم این عهدنامه ایست از طرف محمد پیغمبر خدا بمؤمنین و مسلمین قریش و مدینه و تمام پيروان آنها که با آنها جهاد مینمایند که اینها يك امت و ملت مشخص و واحد و ممتازی را تشکیل میدهند ... »

و در همین پیمان ذکر شده و ذکر یهودیهای بنی عوف با مؤمنین ملت واحدی را تشکیل میدهند و یهودیها بر دین خود و مسلمین بر آئین خودشان هم چنان باقی خواهند بود و سپس سایر طوائف یهود نیز بهمین ترتیب در پیمان یاد شده بودند و قید شده بود که مسلمین و یهودیها کسانی را که بمدینه حمله ور شوند خواهند کوبید و اگر یهودیان بقرار داد صلحی دعوت شدند باید با اتفاق مسلمین انجام دهند و در پایان چنین آمده بود که خداوند و محمد یا روباور کسانی خواهند بود که این قرارداد را بدیده احتیاج نگرسته و آنرا تضمین نمایند (۱)

عهدنامه حدیبیه نیز در جای خود یکی از مهمترین عهدنامه های پیغمبر اسلام بود که بر طبق آن تاعدتی روابط مسلمین مدینه با مشرکین قریش بصلح و آرامش گرائید ولی طسولی نکشید که از طرف مکی ها نقض گردید .

عهدنامه حدیبیه بین پیغمبر اسلام و سهیل بن عمرو که نمایندگی قریش را داشت منعقد گردید و نویسنده آن بمده علی (ع) بود و در این عهدنامه چنین نوشته شد :

«بسمك اللهم آنچه در این قرارداد نوشته میشود مورد توافق محمد بن عبدالله و سهیل بن عمرو است که جنگ برای مدت ده سال بتعویق افتد، مردم از حمله و هجوم طرفین بیکدیگر مصون خواهند ماند اگر فردی از قریش بدون اجازه فرمانروای آن قبیله بخواهد به محمد ملحق شود باید پس داده شود و اگر فردی از پيروان محمد بخواهد بقریش ملحق گردد ممنوع نخواهد بود . مردمی که بخواهند در ائتلاف با محمد و پیمان او وارد شوند مانعی نخواهند داشت و همچنین کسانی که بخواهند با قریش متحد شوند و به پیمان قریش ملحق گردند نیز مانعی نخواهند داشت » (۲) .

(۱) به سیره ابن هشام ج ۱ صفحه ۴ - ۳۴۱ مراجعه شود .

(۲) بمدرک سابق ج ۲ صفحه ۸۰۳ مراجعه شود .